

# بسمه تعالی

## مسئله :

### تحدید نسل

از مسائل مستحدثه در روزگار ما، بحث تنظیم خانواده و یا تحدید نسل است. این بحث در کلمات بزرگان فقه شیعه به طور مستقل مورد توجه قرار نگرفته است و می تواند مورد بحث مستقل واقع شود. قبل از طرح بحث لازم است نکاتی را به عنوان مقدمه مطرح کنیم.

#### ❖ مقدمه اول: تعریف جمعیت شناسی و تنظیم خانواده

تنظیم خانواده در اصطلاح جمعیت شناسی عملی است آگاهانه و ارادی که هم در سطح خانواده و هم در سطح جامعه دارای هدف می باشد. در سطح خانواده هدف از آن توازن میان امکانات اقتصادی و تعداد اولاد است و در سطح جامعه به منظور ایجاد تعادل میان جمعیت و تولید انجام می گیرد.

با توجه به تعریف فوق روشن می گردد که تنظیم خانواده الزاما با محدود ساختن موالید ملازم نیست و چه بسا در مواردی، تنظیم خانواده مستلزم کثرت اولاد و تکثیر جمعیت باشد. و از همین جا می توان بین دو واژه تحدید نسل و تنظیم خانواده تفاوت گذارد. تحدید نسل صرفا به معنای محدود ساختن توالد به منظور دستیابی به جمعیت کمتر می باشد در حالی که تنظیم خانواده همانطور که می تواند قلت جمعیت را در پی داشته باشد می تواند در راستای کثرت جمعیت و یا ثابت نگهداشتن آن اعمال شود.

لکن از آن جا که خواهیم گفت ما در این نوشتار پیرامون احکام ثانوی و احکام حکومتی مسئله مورد نظر، بحث نخواهیم داشت و صرفا مساله را از زاویه حکم اولی بررسی می نماییم و با توجه به اینکه در مقوله تکثیر جمعیت بحث فقهی معتناهی در محدوده احکام اولی وجود ندارد و با اثبات استحباب کثرت فرزند در فصول آینده می توان مدعی شد تکثیر نسل از استحباب ذاتی برخوردار است، به طور عمده این بحث را





به بررسی مشروعیت طرق تحدید نسل معطوف خواهیم کرد و سعی خواهیم نمود پس از آنکه حکم اولی کثرت و قلت اولاد را بررسی نمودیم، به تعیین حکم اولی راههایی که منجر به جلوگیری از کثرت جمعیت می شود، بپردازیم که بیشترین ثمره فقهی بر آن مترتب و در حقیقت عمده ترین مباحث مربوط به تکثیر نسل در حوزه مذکور متمرکز است.

### ❖ مقدمه دوم: نظریات جمعیت شناسی

در میان جمعیت شناسان چهار نظریه مهم پیرامون جمعیت وجود دارد:

#### • الف) موافقان افزایش جمعیت

این نظریه بیشتر در قدیم الایام طرفدارانی داشته است و طرفداران آن با توجه به اینکه قدرت یک قوم را به واسطه کثرت جمعیت آن می پنداشته اند، با تحدید نسل، مخالف و از افزایش جمعیت یک قوم و یا یک کشور، جانبداری می کردند به عنوان مثال یکی از فرمانروایان روم در جهت افزایش جمعیت مقرراتی وضع می کند که طبق آن به پدرانی که سه فرزند داشته اند قطعه زمینی اهدا می شده است و هم چنین خانواده های پراولادتر از مالیات معاف می شده اند.<sup>۱</sup>

طرفداران این نظریه با عنوان کردن اینکه امکانات کره زمین برای تغذیه تعداد بسیار زیادی، به مراتب بیشتر از آنچه که اکنون موجود است کافی می باشد، به انتقاداتی از این دست بی توجه بوده اند.<sup>۲</sup> به عنوان مثال یکی از مخالفین تقلیل جمعیت ابراز عقیده کرده که زمین قادر است با استفاده از تکنولوژی تا نه میلیارد انسان را تغذیه کند.<sup>۳</sup>

ریشه عمده این تفکر در فضای خاص گذشته تاریخ است که قدرت یک قوم را در کثرت جمعیت که طبیعتاً به کثرت سپاه و نیروی کار و بالطبع آبادانی و عظمت سیاسی و اقتصادی آن قوم می انجامید، تعریف می کرده اند. حقیقتی که در زمان خود مسلم بوده و قابل انکار نیست بلکه در زمان حاضر نیز، هنوز رنگ و بوی این حقیقت باقی است و جوامع و اقوام و پیروان مذاهب به واسطه کثرت جمعیت دارای

۱. مبانی جمعیت شناسی، ص ۱۴۴

۲. نظریات جمعیت شناسی، ص ۲۳

۳. همان، ص ۱۸



حوزه های قدرتمند نفوذ می باشند. لذا نمی توان از این واقعیت چشم پوشی نمود که کثرت جمعیت برای یک گروه اعم از آنکه مذهب خاصی حلقه وصل ایشان باشد و یا ملیت بخصوصی، تا حدود بسیاری قدرت سیاسی و اقتصادی و مهمتر از هر دو اقتدار فرهنگی را در پی دارد و به نحوی می توان مدعی شد که در هر حال کثرت جمعیت اقتضای اقتدار را داراست و اگر چنین اقتداری به فعلیت نمی رسد به واسطه موانعی است که در رابطه با فقر و تهیدستی گریبانگیر جوامع می باشد و شاید بتوان در این باره به آیه شریفه «و یمددکم باموال و بنین»<sup>۱</sup> استناد جست که اولاد را در کنار اموال، از جمله مصادیق مدد الهی می داند.

### • (ب) مخالفین افزایش جمعیت

قرن هجدهم و نوزدهم، قرون رونق اندیشه های ضد سرمایه داری در اروپا بوده است و مکاتبی از قبیل آنارشیسم و سوسیالیسم با همه فراز و فرودهای خود، در برابر اندیشه نظام سرمایه داری ایستادگی می کرده اند، از زمره مهمترین عللی که همواره باعث رونق بازار اینگونه مکاتب اجتماعی - سیاسی گردیده، فقر روز افزون جوامع آن روز اروپا بوده است.<sup>۲</sup> بنابراین از زمانی که سوسیالیست ها در اروپا عقاید خویش را مطرح کردند و فقر را ناشی از توزیع نابرابر ثروت دانستند، نظام سرمایه داری در مقام پاسخگویی به طرق مختلفی متوسل گردید و در برابر موج فراگیر سوسیالیسم و اقران آن که به وضوح پایه های کاپیتالیسم را تضعیف کرده بود، به جوابگویی تئوریک روی آورد.

یکی از عقایدی که در این میان مطرح شد و موافقین بسیاری یافت و عمده هم خود را به نفی رابطه فقر و توزیع نابرابر ثروت معطوف کرد، نظریه فردی انگلیسی به نام توماس رابرت مالتوس (۱۷۶۶ ت) بود که در گذر زمان توسط خود وی و طرفدارانش پرورده شد. وی به وضوح فقر را ناشی از کثرت جمعیت می داند و بالطبع مبارزه با فقر را در مخالفت با ازدیاد نسل منحصر می سازد و به این طریق به ظاهر صورت مسئله سوسیالیسم را پاک می کند.<sup>۳</sup>

از آنجایی که مباحث جمعیت شناسی نوعاً با آرا و عقاید مالتوس قرین است و مجموعه ای در این علم

۱. نوح ۱۲

۲. برج فرازان، مقدمه و فصل اول

۳. جمعیت شناسی عمومی، ص ۷۱۷



نگاشته نمی شود مگر آنکه آرای او را مطرح سازد، تا جایی که برخی مخالفین تحدید نسل، همه کسانی که در موافقت با آن سخن گفته اند را مالتوس گرایان نام داده اند<sup>۱</sup> و همچنین از آنجا که طرح بعضی از نظریات او ما را با فضای جهانی بحث آشنا می سازد به اهم مباحث او اشاره می کنیم:

وی معتقد بود حداکثر هر ۲۵ سال جمعیت جهان دو برابر می شود<sup>۲</sup> در حالی که منابع غذایی ثابت است و اگر در گذشته به واسطه جنگ و مرض و حوادث طبیعی این تصاعد هندسی برای رشد جمعیت در کار نبوده است، اکنون با کنترل علل فوق، چنین تصاعدی به صورت فاجعه آمیز موجود است. با عنایت به این نکته، مالتوس فقر را زاییده غرایز طبیعی انسان در زاد و ولد و نه توزیع نابرابر ثروت می دانست. به تعبیر دیگر، جمعیت هر ۲۵ سال، در یک تصاعد هندسی دو برابر می شود، در حالی که منابع غذایی در بهترین فرض با یک تصاعد حسابی رشد می کند (یعنی به میزان ثابتی به آن افزوده می شود) و این در نهایت به فقر عمومی می انجامد.<sup>۳</sup>

وی تنها راه حل بحران ناشی از کثرت جمعیت را کنترل موالید می داند و معتقد است برای جلوگیری از فقر عمومی چاره ای جز متوقف ساختن رشد جمعیت و تغییر روند رشد از تصاعد هندسی به تصاعد حسابی وجود ندارد و این در حالی است که مالتوس خود را معتقد به عقل و قانون شریعت نیز می داند؛ و با راههایی نظیر سقط جنین و یا آزادی جنسی خارج از زناشویی و یا همجنس بازی به صراحت مخالفت می کند، روی همین حساب، وی الزام اخلاقی قبل از ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را پیشنهاد می نماید. وی همچنین معتقد است جامعه نباید به افراد فقیر کمک کند، تا بلکه در اثر سختی معیشت، ایشان کمتر دارای فرزند شوند.<sup>۴</sup> لکن در گذر زمان گروهی که به نام مالتوسی های جدید نامیده می شوند از این مرحله فراتر رفته و برای جلوگیری از تکثیر جمعیت خود را پای بند هیچ معیار اخلاقی نمی دانند.<sup>۵</sup>

در روزگار مالتوس بر سخن وی اعتراضات بسیاری وارد شد، از جمله فردی ثابت نمود فقرا بیشتر از

۱. کاهش جمعیت ضربه ای سهمگین بر بیکر مسلمین، ص ۲۴۵

۲. جمعیت شناسی، ص ۲۱۵

۳. جمعیت شناسی، ص ۱۷۲

۴. تاریخ عقاید اقتصادی، صص ۱۹۸، ۱۹۷

۵. نظریات جمعیت شناسی، صص ۹۲-۹۳

۶. جمعیت و تنظیم خانواده، ص ۵۳



اغنيا فرزند دارند و چنین نتیجه گیری نمود که فقر علت کثرت جمعیت است و نه اینکه معلول آن باشد.<sup>۱</sup> بر سخنان مالتوس اشکالات متعددی وارده شده است که در جای خود قابل بررسی است<sup>۲</sup> طبیعی است که خاستگاه عقیده مالتوس، حفظ نظام سرمایه داری و جلوگیری از روند سقوط این نظام است. لکن آنچه که وی به آن معتقد است می تواند درآمد سرانه ملی یک کشور را افزایش داده و دست حاکمیت سیاسی و اقتصادی را در کاهش فقر باز نماید. البته در نگاه جهانی به این مسئله باید اذعان کرد: بدون عنایت به توزیع برابر و عادلانه ثروت، فقر جهانی صرفاً با جلوگیری از کثرت جمعیت از بین نمی رود، هرچند روند شتابان فقر را کند می سازد.

### • (ج) جمعیت ثابت

در این نظریه، با کاهش و افزایش جمعیت مخالفت شده است و قائلین به این قول معتقدند دگرگونیهای جمعیت نظام اجتماع را به هم می زند و باید جمعیت در اندازه موجود باقی بماند. از هواداران معروف این عقیده، جان استوارت میل است که بر ثبات جمعیت تأکید می کند.<sup>۳</sup> همچنین نقل شده که افلاطون معتقد بوده است که جمعیت یک شهر باید در همان حد ۵۰۴۰ نفر باقی و ثابت بماند و در این مسیر تا به آنجا سخت گیری می نماید که حتی در برخی صور حکم به از بین بردن نوزاد می کند.<sup>۴</sup>

۱. مبانی جمعیت شناسی، ص ۱۴۵

۲. همان، ص ۹۸

۳. جمعیت شناسی عمومی، ص ۱۷۹

۴. مبانی جمعیت شناسی، ۱۴۳